



تأملی بر راهبردهای قرآن کریم در باب دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی

مجتبی مهجرانی^۱ - جواد زروندی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

چکیده

قرآن کریم از طرف خداوند متعال در دوره‌ای نازل شد که انسان عصر جاهلی از نظر فرهنگی شرایط نامساعدی داشت. تعالی انسانی مغفول مانده بود و باورهای آن‌ها مملو از خرافات بود تلی از غبار غفلت و نادانی روی قلب و دل انسان آن عصر و دوره را پوشانده بود، انسان عصر نزول با تعالیم نورانی قرآن کریم در مدت زمان کوتاهی به مرحله‌ای رسید که گوی سبقت را از خیلی افراد دیگر در طول تاریخ گرفت؛ یعنی قرآن کریم دگردیسی شگرفی در ذهن و فکر انسان عصر جاهلی به وجود آورد گویا که اصلاً دوره جاهلیتی در کار نبوده و تاریخ به خود آن دوره را هرگز ندیده است. در همین راستا، این پژوهش با

استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با نگاه تحلیلی عمیق به تاریخ، کتب مستند و متقن، ابتدا به بیان ویژگی‌های سبک زندگی انسان عصر جاهلی قبل نزول قرآن و سپس به بیان ویژگی‌های سبک زندگی انسان عصر جاهلی بعد نزول قرآن پرداخته است. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان داد که قرآن کریم با راهبردهایی مانند الگودهی مناسب، تبلیغ مناسب، توجه به کانون‌های تأثیرگذار در جامعه، استفاده از روش مرحله‌به‌مرحله، در مدت‌زمان بسیار کوتاهی دگردیسی بسیار عظیم و سترگی را در سبک زندگی انسان عصر جاهلی به وجود آورده است؛ قرآن کتاب و منبعی وحیانی برای همه اعصار و همه انسان‌ها در همه مکان‌ها می‌باشد و این همان موضوع مورد اشاره رهبری در تغییر سبک زندگی افراد جامعه و حلقه مفقوده جامعه ما (عمل و برگشت به قرآن کریم) در بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب می‌باشد. واژگان کلیدی: قرآن کریم، دگردیسی، سبک زندگی، انسان جاهلی.

۱ - مدرس دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری www.mhdysadt@gmail.com

۲ - استادیار دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری.



A Reflection on the Strategies of the Holy Quran Regarding the Transformation of Human Lifestyle in the Pre-Islamic Era

Abstract:

The Holy Quran was revealed by God Almighty in a period when the people of the pre-Islamic era were in unfavorable cultural conditions. The human excellence was neglected and their beliefs were full of superstitions. A pile of dust of neglect and ignorance covered the hearts and minds of the people of that era and period. The people of the era of revelation, with the enlightening teachings of the Holy Quran, reached a stage in a short period of time that seemed to surpass many other people throughout history; that is, the Holy Quran created a remarkable transformation in the mind and thought of the people of the pre-Islamic era, as if there was no pre-Islamic era at all and history itself had never seen that period. In this regard, this research, using the descriptive-analytical method and with a deep analytical look at history, documented and authoritative books, first describes the characteristics of the lifestyle of the people of the pre-Islamic era before the revelation of the Quran and then describes the characteristics of the lifestyle of the people of the pre-Islamic era after the revelation of the Quran. The results and findings of the research showed that the Holy Quran, with strategies such as appropriate modeling, appropriate propaganda, attention to influential centers in society, and the use of a step-by-step method, has created a huge and profound transformation in the lifestyle of people in the pre-Islamic era in a very short period of time; the Quran is a book and a source of revelation for all ages and all people in all places, and this is the issue mentioned by the leadership in changing the lifestyle of individuals in society and the missing link in our society (action and return to the Holy Quran) in the strategic statement of the second step of the revolution.

Keywords: Holy Quran, Metamorphosis, Lifestyle, Ignorant Man

مقدمه

آن دوره و شناخت دقیق و همه‌جانبه از شرایط زندگی آن لازم و ضروری است زیرا بدون آگاهی از فضای حاکم بر بستر زمانی و مکانی آن دوره خاص، نمی‌توان به برداشتی درست و راهگشا در موضوع‌های مختلف، دست‌یافت. حال، سؤال مهم این می‌باشد که راهبردهای قرآن کریم در دگرذیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی کدام است؟ و به همین منظور به جهت فهم هرچه بهتر لازم است که ابعاد مختلف زندگی انسان جاهلی آن دوره مورد بررسی قرار گیرد که در ذیل به آن پرداخته‌شده است ذکر موارد پیش رو در بازسازی آن دوره برای ذهن مخاطب بسیار مهم و ضروری بوده و سبب می‌شود که اطلاعات دقیق و درستی نسبت به آن دوره داشته باشد.

روش پژوهش

این پژوهش، با هدف بررسی دیدگاه‌ها و آراء متفکران درباره مسئله پژوهشی با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به انجام رسیده است. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق، روش کتابخانه‌ای است و با استفاده از فیش برداری نسبت به ثبت داده‌ها اقدام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها نیز شامل مراجعه به منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب‌ها، مقالات و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی علمی و معتبر مرتبط با مسئله پژوهشی می‌باشد. در همین راستا، پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با نگاه تحلیلی عمیق به تاریخ، کتب مستند و متقن، ابتدا به بیان ویژگی‌های سبک زندگی انسان عصر جاهلی قبل نزول قرآن و سپس به بیان ویژگی‌های سبک زندگی انسان عصر جاهلی بعد نزول قرآن پرداخته است.

پیشینه پژوهش

از جمله تحقیقاتی که به موضوع انسان در دوره عرب جاهلی پرداخته‌اند می‌توان به کتبی مانند فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، مقدمه ابن خلدون، تاریخ تمدن اسلام، کتاب پیام‌آوران رحمت، المفضل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، تاریخ عرب، حجاز در صدر اسلام و تاریخ تمدن ویل دورانت اشاره کرد. نکته قابل ذکر است که همه این کتب به نحوی به سبک زندگی و

انسان عصر جاهلی به‌گونه‌ای با رفتار و عملکرد اجتماعی خود سبک زندگی زمان خود را ساخته است که به آن سبک زندگی جاهلی و مردمش را انسان جاهلی لقب داده‌اند، در واقع جاهلیت دورانی است که زندگی مردم از ارزش‌های معقول، موازین فرهنگی، منطقی و باورهای معنوی و امیدوارکننده تهی می‌باشد. آلودگی به گناهان مختلف تا آنجا پیش رفته بود که از هنجارهای اجتماعی شمرده می‌شد به‌گونه‌ای که بسیاری، از ارتکاب آن احساس شرم نمی‌کردند و قتل و غارت، دزدی، می‌گساری و انواع قمار و فحشا، بخشی از زندگی روزانه مردم بود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا (آل عمران، ۱۰۳)؛ ای جمعیت عرب، قبل از اسلام، بر لب پرتگاه آتش بودید، خدا از طریق پیامبر شما نجات داد.»

همچنین خداوند در آیه دیگری می‌فرماید:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (آل عمران: ۱۶۴)؛ هرآینه خداوند بر مؤمنان منت نهاد آنگاه که از خودشان فرستاده‌ای در میانشان برانگیخت که آیات او را بر ایشان می‌خواند و پاکشان می‌سازد و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد، هرچند پیش‌ازین در گمراهی آشکار بودند.»

امام علی (ع) در یکی از خطبه‌های خویش، وضعیت انسان عصر جاهلی را این‌گونه بیان می‌فرماید:

«خداوند، محمد صلی‌الله‌علیه و آله و سلم را بیم دهنده جهانیان و امین وحی و کتاب خود، مبعوث کرد و شما گروه عرب در بدترین آیین و بدترین جاها به سر می‌بردید. در میان سنگلاخ‌ها و مارهای کر (که از هیچ صدایی نمی‌رمیدند) اقامت داشتید. آب‌های لجن را می‌آشامیدید و غذاهای خشن (مانند آرد هسته خرما و سوسمار) می‌خوردید و خون یکدیگر را می‌ریختید و از خویشاوندان دوری می‌کردید، بت‌ها در میان شما سرپا بود، از گناهان اجتناب نمی‌کردید.» (دستی، خطبه ۲۶). از سوی دیگر بررسی و کنکاش پیرامون ابعاد مختلف



و به بیابان‌های خشکی که جایگاه‌های چادرنشینی آن‌هاست می‌گریزند. از این رو تأثیر محیط زندگی در بسیاری از کیفیات و حالات سبک زندگی و اخلاق آن‌ها غیر قابل انکار می‌باشد (ابن خلدون، ۱۳۶۱: ۲۴۴).

◀ وضعیت سیاسی جزیره العرب

در جزیره العرب، قدرت مرکزی در برابر نهضت‌های مردمی وجود نداشت زیرا هر قبیله، حاکمیتی مستقل از سایر قبایل داشت و قدرت آن‌ها پراکنده و فاقد رهبری واحد بود. قبایل مختلف حاکمیت‌های مستقل از هم داشتند و درگیری‌ها و رقابت‌های زیادی برای گرفتن امتیاز میان آن‌ها رخ می‌داد. نبود سبک زندگی واحد و ایدئولوژی مشترک میان این قبیله‌ها، نبود راه‌های ارتباطی مناسب، عامل جغرافیا و دوری مسافت میان مناطق مسکونی و محدودیت منابع اقتصادی سبب پراکندگی و استقرار نیافتن حاکمیت قانون و نظم سیاسی فراگیر در جزیره العرب بود. بر اساس نسب و حسب، تمام افراد باید از شناسنامه قبیله‌ای و فضایل و مفاخر قبیله آگاه باشند و بر اساس عصب و عرق قبیله‌ای، همه در ساختار قبیله محو بودند. به گونه‌ای که همه پیوندها و روابط برای حفظ وحدت خون و گوشت قبیله قربانی می‌شد. به تعبیر دیگر این عصبیت برای اعضای قبیله محدودیت، جبر و ناسیونالیسم قبیله‌ای و برای رهبران آن‌ها نوعی استبداد مطلق پدید می‌آورد. ضمیمه شدن روح جنگجویی که دستاورد طبیعی بیابان‌های خشک و سخت عربستان است به این عصبیت و ناسیونالیسم جاهلی، توجیه‌گر بسیاری از جنگ‌های اعراب (ایام العرب) است. به گونه‌ای که گاه به سبب برخوردی ساده میان دو فرد، جنگ خونین قبیله‌ای به راه می‌افتاد. از این رو نه تنها نشانی از تمدن و سبک زندگی اجتماعی حکومت به چشم نمی‌خورد، دشمنی‌های فردی- قبیله‌ای آنان را در معرض سقوط جدی قرار داده بود (نصیری، ۱۳۸۹: ۴۹).

◀ وضعیت اقتصادی جزیره العرب

اوضاع اعراب جاهلی به گونه‌ای بود که گاهی بر اثر تنگدستی، فرزندان خود را می‌کشتند؛ خداوند در

نوع تفکر انسان عصر جاهلی پرداخته‌اند و حتی بعضی از کتب به وضوح به دگردیسی سبک زندگی انسان عرب جاهلی بعد از ظهور اسلام پرداخته‌اند و این مطلب، نقطه اشتراک تحقیق حاضر با کتب ذکر شده می‌باشد. اما نکته که عامل افتراق تحقیق حاضر با کتب مذکور می‌باشد این است که در تحقیق حاضر به صورت توصیفی- تحلیلی به بیان دلایل و استدلال‌ات پیرامون نحوه دگردیسی سبک زندگی انسان عرب جاهلی و سپس به بیان ویژگی‌های سبک زندگی انسان عصر جاهلی بعد نزول قرآن پرداخته است که به صورت مفصل و مبسوط در آن کتب به آنها نپرداخته شده است.

◀ وضعیت جغرافیایی جزیره العرب

به اعتبار وضعیت داخلی جزیره العرب، صحرا و شنزار از هر طرف آن را در بر گرفته است و به همین دلیل، جزیره به صورت حصار بزرگ درآمده که همواره دست بیگانگان و دشمنان از آن کوتاه بوده و نتوانسته‌اند نفوذ خود را در آنجا توسعه دهند و تسلط یابند (حسینی، ۱۳۸۲: ۲۳). منطقه حجاز از جمله مناطقی بود که از دستبرد کشورگشایان محفوظ مانده بود زیرا اراضی لم‌یزرع و غیرقابل سکونت آن، چندان ارزشی نداشت که تا برای به دست آوردن آن لشکرکشی کنند و بعد از هزاران مشکلات که لازمه تسلط بر خاک آن منطقه بود، تازه دست‌خالی برگردند (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۵).

اکثر بادیه‌نشینان در شمال شبه جزیره به دلیل نیاز به جست‌وجو برای آب و علف اندک و پراکنده در طبیعت به کوچ‌نشینی روی آوردند. در پی آن، کوچ‌نشینی و لوازمش- چون جنگاوری و شجاعت به امری ارزشمند مبدل گشت. در واقع کمی منابع در طبیعت و دستیابی به این منابع با مسئله مرگ و زندگی در ارتباط است. اگر فقدان منابع بخواهد به مرگ یک اجتماع انسانی بینجامد، غارت راهی برای حل مشکل می‌شود (پرهیزکار، ۱۳۹۱: ۸۱).

بنابراین این قوم بر حسب محیطی که در آن زندگی می‌کنند، طبیعت وحشیگری دارند و به غارتگری و خرابکاری عادت گرفته‌اند و بی‌آنکه آهنگ غلبه و جهانگیری داشته باشند یا به کارهای پرمخاطره‌ای دست یازند به آنچه دسترسی پیدا کنند آن‌ها به غارت می‌برند

قبیله یا رئیس آن، تشویق به غارتگری، فتنه‌انگیزی، تجدید خاطره‌های سیاه گذشتگان، عشق حیوانی و شراب و شکار بود (نصیری، ۱۳۸۹: ۴۹).

◀ باورهای خرافی جزیره العرب

از جمله باورهای خرافی عرب این بود که روان انسان پس از مرگ به صورت پرنده‌ای، شبیه «بوم» به نام «هامه و صدی» از کالبد بیرون می‌آید و پیوسته در کنار جسد بی‌روح انسان شیون می‌کند و ناله‌های جان‌خراش و وحشت‌زا سر می‌دهد. آنگاه که کسان مرده، وی را به خاک سپردند؛ روح او - به صورت که گفته شد - به آرامگاه وی وارد می‌شود و تا ابد در آنجا قرار می‌گیرد و گاهی برای اخذ اطلاعات از اوضاع فرزندان، بر بام خانه فرزندان می‌نشیند. اگر انسان با مرگ غیرطبیعی، چشم از این جهان پوشیده باشد؛ پیوسته صدا می‌زند: اسقونی...! اسقونی...! یعنی با ریختن خون قاتل من، سیرابم کنید و تا انتقام از قاتل گرفته نشود، خاموش نخواهد شد. در مورد دیگری، عقیده داشتند که زنی که بچه‌اش نمی‌ماند، اگر هفت بار بر کشته مرد بزرگی قدم می‌گذاشت، معتقد بودند که بچه‌اش باقی می‌ماند (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۵). انسان عصر جاهلی اعتقاد داشت که خون انسان شریف، در درمان کسی که سگ او را گاز گرفته، مؤثر است. از این رو قطره‌ای از خون انگشت مردی شریف را با آب مخلوط می‌کردند و به فرد گاز گرفته شده می‌دادند تا درمان شود. اعراب جاهلی ازدواج زن فقیری که از خانواده شریفی باشد را با مردی ثروتمند از خانواده‌ای غیر شریف نمی‌پذیرفتند؛ زیرا شرافت نسبی را بر ثروت ترجیح می‌دادند. همچنین به سبب اهمیت خون و نژاد، برخی افراد به نوعی ازدواج تن می‌دادند که در آن، فرد همسر خود را نزد فردی شریف می‌فرستاد و تا پیش از حامله شدن اجازه بازگشت به همسر خود را نمی‌داد تا فرزند او از نسب شریفی به دنیا آید. با کشته شدن فردی از بزرگان، به سبب شرافت خوش باید خون بزرگی ریخته می‌شد، حتی اگر آن بزرگ هیچ تقصیری نداشته باشد. قرآن کریم در این باره به این نکته اشاره می‌کند که نفس محترم را نکشید و اگر کسی مظلوم کشته شد، در مقابل اسراف در قتل نکند. (اسراء، ۳۳) این در حالی است که غارتگری و خونخواهی، همواره فکر قبیله را به

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فرزندان خود را از بیم فقر و تنگدستی به قتل نرسانید. ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم» (انعام، آیه ۱۵۱) عوامل مختلف مانند جهل و تنگی معیشت و نداشتن سبک صحیح زندگی، وحشی‌گری و درنده‌خویی و تنبلی و بی‌حالی و دیگر رذایل اخلاقی، محیط عربستان را به نحو بارزی تاریک کرده و کم‌کم امور شرم‌آوری را در میان آن قوم، معمول و قانونی ساخته بود. غارت و چپاول، قمار، ربا و اسیرگیری افراد، در زندگی عرب جاهلی کاری متداول بود. یکی دیگر از عادات زشت آنان، باده‌گساری بود. این عادت نکوهیده، چنان در جامعه آنان نفوذ داشت که جزء سرشت آن قوم شده بود. شاعران آن سرزمین، قریحه‌های شعری خود را بیشتر در وصف شراب و شرح باده‌گساری به کار می‌بردند و میخانه‌ها در تمام ساعات برای نوشیدن انواع شراب‌ها آماده بود و پرچمی بر فراز آن‌ها در اهتزاز بود. باده‌فروشی به قدری در آن محیط رواج گرفته بود که کلمه تجارت در عرف آنان، برابر باده‌فروشی بود (سبحانی، ۱۳۸۵: ۵۰).

◀ ارزش‌های جزیره العرب

اخلاقی که در نظر عرب جاهلی مطرح بود، تفسیر متفاوتی داشت. آن‌ها وفا را بدین معنی می‌دانستند که از افراد قبیله و هم‌پیمانان خود در هر حادثه طرفداری کنند، خواه حق باشد یا باطل. آن‌ها مروّت و شجاعت را ستایش می‌کردند اما زیادی مقتولان در جنگ را نشانه شجاعت می‌دانستند. در واقع جنگ و غارتگری از ارزش‌های مهم آن‌ها محسوب می‌شد. اعراب، آن‌چنان با غارتگری و خونریزی خو گرفته بودند که تاراج اموال دیگران را از افتخارات خود برمی‌شمردند. شیوع عقاید خرافی و فساد از یک‌سو و نداشتن تعلیمات درست و سبک زندگی ناصحیح و نبودن تربیت، زندگانی اعراب را با درگیری و جنگ‌های مختلف همراه ساخته بود. به طوری که بر سر موضوع‌های کوچک و بی‌اهمیت، جنگ‌های بسیار طولانی سر می‌گرفت. شعر، این عالی‌ترین مظهر سبک زندگی عرب، به دلیل الهام از عقده‌های قبیله‌ای و خرافه‌ها، گاه آن قدر خشن و خون‌فشان بود که گویا از دم شمشیر فرومی‌چکد. مضامین اشعار معمولاً آمیزه‌ای از ستایش یا نکوهش



خود مشغول داشت. در ادامه لازم است تعریفی درباره سبک زندگی نیز ارائه شود (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۵).

◀ سبک زندگی

سبک زندگی در دیدگاه‌های مختلف و با افکار گوناگون ارائه شده است اما در یک تعریف عام همان شیوه‌ها و الگوهای زندگی روزمره است که الگوهای فردی زندگی و تمام عادات و روش‌هایی را که فرد یا اعضای یک گروه به آن‌ها خو کرده یا عملاً با آن‌ها سروکار دارند را در برمی‌گیرد، مانند الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف، لباس و نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروهی را که عضو آن می‌باشند که مدنظر ما در این پژوهش همین تعریف از سبک زندگی می‌باشد.

◀ شاخص‌های کلیدی سبک زندگی انسان عصر جاهلی قبل از نزول قرآن

هرچند خصلت‌های پسندیده‌ای چون روحیه سلحشوری، وفای به عهد، بخشندگی و میهن‌نوازی، صراحت لهجه، حافظه قوی و اهتمام به شعر و شاعری گواه خوبی بر وجود برخی ارزش‌ها در میان سبک زندگی انسان عصر جاهلی است، اما اندکی تأمل در دستاوردهای هر یک از این خوی‌ها، پرده از استضعاف فکری و فرهنگی این سرزمین برمی‌دارد؛ زیرا جهت‌دار نبودن روحیه حماسی، در بسیاری اوقات، به افروختن بی‌دلیل آتش کینه و درگیری میان قبایل می‌انجامید. وفاداری به قبیله در هر موقعیت و پشتیبانی از افراد قبیله خود، بی‌توجه به ستمگر یا ستم‌دیده بودن آن‌ها، تبعیض نژادی و همسنگ ندانستن غیر عرب با عرب‌ها، نمودهای دیگری از نبودن نظام جامع سبک زندگی صحیح در جزیره العرب است (نصیری، ۱۳۸۹: ۴۷). قبیله مهم‌ترین رکن اجتماعی در سبک زندگی انسان عصر جاهلی به شمار می‌آمد. در میان آنان، جز همان پیمان‌هایی که بین قبایل منعقد می‌گشت و به‌موجب آن حقوق هر قبیله و وابستگان آن محترم شمرده می‌شد قانون دیگری وجود نداشت و اگر فردی جزء قبیله‌ای نبود و یا پیوندی با دیگر قبایل نداشت، کسی از او دفاع و حمایت نمی‌کرد. به‌طور طبیعی قبایل بزرگ‌تر از حقوق بیشتری برخوردار بودند و می‌توان گفت زور و

شمشیر یگانه قانون آن دیار به شمار می‌آمد. از این‌رو، مردم این سرزمین، خشن، متکبر، خون‌خوار و چپاولگر بودند و گاهی برای مسئله‌ای بسیار جزئی جنگی بس طولانی برپا می‌داشتند (میرشریفی، ۱۳۸۵: ۵). قبیله قوانین خاص خود را دارا بود و همه افراد قبیله باید این اصول را رعایت می‌کردند. تخلف از این قوانین، باعث طرد فرد خاطی از قبیله می‌شد و نتیجه آن، پناهنده شدن به قبیله‌های دیگر بود. گاهی نیز به جرگه راهزنان می‌پیوستند. از سوی دیگر، در اثر درگیر شدن قبایل با یکدیگر و گرفتن اسیر، طبقه‌ای به نام بردگان پدید آمده بود که جمعیت آن‌ها نیز فراوان بود (علی، ۱۴۱۳: ۲۱۲). صحرائشینی عرب‌ها و زندگی بدوی آن‌ها مانع از هر نوع پیشرفت علمی و تمدنی در آن سرزمین شده بود؛ زیرا مردم حجاز در سرزمین‌های بدآب‌وهوا زندگی می‌کردند و نمی‌توانستند با مردم متمدن در ارتباط باشند (زیدان، ۱۳۸۶: ۶۷). در این جامعه که فاقد هرگونه سازمان یا نهاد متمرکز و غیرمتمرکز جهت اداره مسئله تعلیم و تربیت بود، تعداد افراد درس‌خوانده و باسواد بسیار اندک بود. به‌غیر از نواحی معدودی از شمال و جنوب عربستان که به پیشرفت‌های علمی و فرهنگی دست‌یافته بودند، سایر مناطق این سرزمین وسیع، وضعیت عقب‌مانده‌ای در عرصه علمی و فرهنگی داشت. یک شاعر جاهلی، وقتی زبونی و ناتوانی قوم خود را، در امر غارت می‌بیند، این شعر را می‌سراید:

«فلیت لی بهم قوما إذا رکبوا
شئوا الإغارة فرسانا و رکبانا»

و با بیان این شعر، آرزو می‌کند که ای کاش به‌جای این گروه، قوم دیگری داشت که وقتی بر اسب‌های خود سوار می‌شدند، دست به تاراج و غارت می‌زدند (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۹). حال در این مقاله به برخی از ویژگی‌های سبک زندگی انسان عصر جاهلی را بیان می‌کنیم.

♥ ۱- تأکید بر پیروی از اجداد در سبک زندگی انسان عصر جاهلی

در نظام‌های قبیله‌ای، همه‌چیز، مشروعیت خود را از سنتی می‌گیرد که ریشه در آداب و رسوم اجداد و نیاکان داشته و از پدران آن‌ها به ارث رسیده است (چلونگر، ۱۳۸۵: ۱۷). آن‌ها همواره بر سنن آبا و اجداد خویش

استناد می‌کردند و آن را عامل صیانت از خویش در مقابل دشمنان دانسته و آداب و رسوم آن‌ها را به‌عنوان مرجع اصلی و نهایی خویش در مقابل دیگران قلمداد می‌نمودند. اعراب جاهلی بر شناخت نسب تأکید زیادی داشتند. پابندی آن‌ها به این امر تا حدی بود که نسب‌شناسی به‌عنوان یک علم شاخص در میان آن‌ها مطرح شده و آن را یک علم مهم می‌دانستند (پاینده، ۱۳۴۴: ۳۹). این در حالی است که اسلام از جنبه‌های مختلف بر سبک زندگی انسان عصر جاهلی تأثیر گذاشت، زندگی دینی مردم را دچار تغییر اساسی کرد، با ظهور اسلام، زندگی اجتماعی آنان که یک ساختار قبیله‌ای بود از بین رفت. دیگر شخصی به‌عنوان رئیس قبیله وجود نداشت و به‌جای دشمنی و اختلاف و سرسختی، همکاری و برادری حکم‌فرما شد. اسلام امتیازات قبیله‌ای را حذف کرد، مردم را در برابر خدا و قانون مسئول شمرد و ملاک برتری را تقوا قرار داد (بهادری اردشیری، ۱۳۸۶: ۳۶۱). تلاش رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله)، اصلاح معیار ارزش‌گذاری انسان‌ها بود. در جامعه‌ای که افراد با معیارهای سطحی قدرت و ثروت ارزش‌گذاری می‌شدند و جامعه از درون تهی و آسیب‌پذیر شده بود، آن حضرت معیار اسلامی و انسانی را جایگزین کرد (علیان‌سب، ۱۳۹۴: ۷۵). خداوند در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات، تنها معیار ارزش‌گذاری افراد را تقوا بیان نموده و می‌فرماید که ارجمندترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

۲- داشتن مبانی اعتقادی نادرست در سبک زندگی انسان عصر جاهلی

دین عرب جاهلی، بازتعریفی مادی از عقاید آن‌ها بود که عینیت‌گرایی را دنبال می‌کرد و حقیقت را جلوه مادی پوشانده بود تا حدی که آن‌ها خدایان سنگی را مورد پرستش قرار می‌دادند. این نوع تفکر زمینه‌ساز تعارض و چندگانگی شده بود و تفکر جاهلی را اسیر عالم ماده نموده بود. در نتیجه، این نوع ایدئولوژی، بستری را فراهم می‌کرد که از درون آن، نزاع طلبی و جنگ‌جویی پدید می‌آمد زیرا روحیه تعدی و سلطه‌گری را در میان آن‌ها تقویت می‌کرد. درواقع یکی از نشانه‌های مهم اعراب جاهلی، انحراف آن‌ها در شناخت خداوند می‌باشد. آن‌ها

علاوه بر پرستش ذات خداوند، برخی موجودات دیگر را نیز مورد پرستش و ستایش قرار می‌دادند. هرچند مفهوم دین با محوریت کعبه از مدت‌ها قبل در میان اعراب جاهلی ظهور و بروز داشت، اما ایدئولوژی آن‌ها با انحرافات فراوانی مواجه شده و آبستن تعارضات فراوانی گشته بود و اصل یکتاپرستی و توحید در جامعه عرب جاهلی، به شرک تبدیل شده بود (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۲۹).

۳- تأکید بر قبیله‌گرایی در سبک زندگی انسان عصر جاهلی

در دوره جاهلی، قبیله، اساس پیوند اجتماعی اعراب در حجاز و سایر مناطق عربستان بود که مهم‌ترین و حقیقی‌ترین واحد اجتماعی در جامعه جاهلی محسوب می‌شد. قبیله، گروهی در عرب است که بر مبنای نسب و خون تشکیل شده و برای بهبود معیشت خود با یکدیگر همکاری می‌کنند (صالح، ۱۳۸۲: ۵۳).

عضو قبیله باید در حفظ این رابطه و تداوم آن کوشیده و حتی از جان و مال خود دریغ نورزد. گاهی نیز به تشخیص بزرگان قبیله‌ها، اموری با ارزش محسوب می‌شد که در راه پاسداری و دفاع از آن‌ها خون‌های بسیاری ریخته می‌شد. شیخ قبیله در صدور رأی و برپایی مراسم‌ها و نیز در امور صلح و جنگ و بستن پیمان‌ها مسئولیت مهمی داشت. او در پذیرش یا رد آئین‌ها و تثبیت عقیده، نقش زیادی داشته است (آئینه‌وند، ۱۳۶۲: ۵۳).

انتساب به یک قبیله، تنها از طریق پیوند خونی ایجاد می‌شد یعنی فرد باید در آن قبیله متولد می‌شد تا عضو آن محسوب شود. اگر می‌خواستند فردی را به هر علتی به یک قبیله خاص منسوب کنند، او می‌بایست چند قطره از خون یکی از افراد قبیله را می‌مکید تا از این طریق انتساب به آن قبیله را پیدا کند (پاینده، ۱۳۴۴: ۳۷).

در ساختار قبیله‌ای، پدر نسب و اصل قبیله را به فرزندان خویش منتقل می‌سازد. به همین دلیل اگر مادر از قبیله‌ی دیگری باشد، او هم بیگانه تلقی می‌شود (امین، ۱۳۶۶: ۳۷).

زمانی که پیمانی میان قبایل مختلف صورت می‌گرفت و یا حتی میان افراد قبیله و رئیس قبیله پیمانی منعقد می‌شد، طرفین بیعت کرده و شکستن آن پیمان را بسیار



خود را به شدت موظف می‌دانستند که از قبیله خود و اعضایش در هر وضعیتی حمایت و دفاع کنند. در نگاه اعراب جاهلی، میان خودی و غیر خودی، مرزی به نام تعصب، ترسیم شده بود که هویت اجتماعی آن‌ها را دگرگون ساخته و بر روی قوه تفکر و استدلال ورزی جامعه‌ی قبیله‌ای، غبار افکنده بود. در بسیاری از مواقع، این حمیت و تعصب بر نوعی حمایت کورکورانه مبتنی بود.

در اینجا لازم است برای جلوگیری از اطاله کلام به شاخص‌های کلیدی سبک زندگی انسان عصر جاهلی بعد نزول قرآن نیز اشاره مختصر و کوتاهی شود.

شاخص‌های کلیدی سبک زندگی انسان عصر جاهلی بعد نزول قرآن

- ۱- پذیرفتن قرآن به‌عنوان منبع قانون‌گذاری؛
- ۲- پذیرفتن پیامبر (ص) به‌عنوان رهبر و تشکیل جامعه واحد در سراسر شبه‌جزیره عربستان؛
- ۳- رسیدن به بالاترین معارف بشری مانند گذشت از جان و مال به خاطر خداوند و سایر انسان‌ها؛
- ۴- رسیدن به سالم‌ترین و منظم‌ترین روابط جنسی؛
- ۵- جایگزین شدن روابط ایمانی و عقیدتی به‌جای تفاخر قومی و قبیله؛
- ۶- پرستش خدای واحد؛
- ۷- دستیابی به انواع علوم و آگاهی از سایر فرهنگ‌ها؛
- ۸- احترام بسیار به حقوق انسان‌ها و حق حیوانات و گیاهان ...

اما حال پس از بیان مطالب فوق این سؤال اساسی پیش روی ما قرار می‌گیرد که قرآن کریم با چه راهبردهایی توانست در سبک زندگی انسان عصر جاهلی دگردیسی ایجاد کند؟ از این‌رو در سطور ذیل به بیان این راهبردها می‌پردازیم.

راهبردهای قرآن کریم در دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی

در ادامه راهبردهای قرآن کریم در دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

نادرست می‌دانستند. ابن‌ابی‌الحدید بیان می‌کند که تربیت قبیله‌ای عرب به‌گونه‌ای بود که آن‌ها بیعت خود را نقض نمی‌کردند و خیانت را نمی‌پذیرفتند، چه این پیمان بر مبنای درستی بوده باشد یا مبنای نادرستی داشته باشد (ابن ابی‌الحدید معتزلی، ۱۳۸۵: ۱۳۷). درواقع اگر بحران و گسستی پیش می‌آمد باید حفظ قبیله را مقدم می‌داشتند و نزاع‌های فردی را به نفع قبیله به حاشیه می‌راندند (افتخاری، ۱۳۸۳: ۳۸).

۴- تأکید بر حمیت و تعصب در سبک زندگی انسان عصر جاهلی

حمیت از ماده «حَمَى» برگرفته‌شده است و به معنای حرارتی است که از خورشید یا بدن انسان و آتش یا امثال آن به وجود می‌آید (و) زوال عقل را به دنبال دارد. حمیت میان قبایل عصر جاهلی متداول بوده است.

مصادق بارزی از حمیت باطل، در طول پیمان حدیبیه (در سال ششم هجرت) صورت گرفت که در طی آن، رفتار مشرکان با مسلمانان نامناسب بود و آن‌ها برای اینکه از ورود مسلمانان به مکه جلوگیری کنند، بسیاری از اعتقادهای خود را زیر پا گذاردند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۸).

خداوند در آیه ۲۶ سوره مبارکه فتح درباره حمیت و تعصب جاهلی می‌فرماید:

«إِنَّ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (فتح: ۲۶)»

نگرش اعراب بیابان‌گرد به پیرامون خویش، ابتدا از محیط کوچک خانواده‌اش شروع می‌شد. هرچه این محیط وسیع‌تر می‌شد، تعصب او به آن محیط کم‌تر می‌شد (ابن عبدربه‌الاندلسی، ۱۹۵۳: ۳۳۰).

تعصب قبیله‌ای تا آنجا بود که عرب جاهلی تصور می‌کرد که خصوصیات جسمی و فیزیکی افراد قبیله‌اش با قبیله‌های دیگر تفاوت دارد (ممتحن، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

در نظام‌های قبیله‌ای، تعصب و حمیت به‌عنوان معیاری بود که حق را از باطل جدا می‌کرد و دوستی و دشمنی را از یکدیگر تمییز می‌داد. شناسایی دشمن با معیار تعصبات قبیله‌ای صورت می‌پذیرفت و افراد قبیله،

۱- دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با الگودهی مناسب

با بررسی اجمالی تاریخ عصر جاهلیت، می‌توان اذعان داشت که جنگ جزو لاینفک زندگی اعراب بوده و آئینه تمام نمای جنگ‌های قبیله‌ای، بخشی از زندگی روزمره‌ی عرب را مصروف خودساخته است. دستیابی به آب، تصرف چراگاه‌ها، انتقام، قدرت‌نمایی، تفاخرت و رقابت‌های قبیله‌ای و دستیابی به غنائم، علت عمده‌ی این جنگ‌ها به حساب می‌آید (قاندان، ۱۳۹۰: ۱۷).

با ظهور اسلام، هدف از جنگ متحول شد و الگوی مناسبی از سبک زندگی به منصفه ظهور گذاشته شد. پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) قبل از هر چیز هدف از جنگ را تشریح می‌ساخت و اهداف راهبردی آن را روشن می‌کرد. با این کار نشان می‌داد که جنگ فی‌نفسه همانند عصر جاهلیت بر سر رقابت‌های قبلی‌های و تنازعات قومی، آب، زمین و مرتع نیست، بلکه هدف‌ها و غایات الهی و مکتبی در آن نهفته است.

در این راستا همه این‌ها زمینه‌سازی بود برای اینکه نبی مکرم اسلام (صلی‌الله علیه و آله) الگوی جدیدی از نگرش به مرگ را که در قالب شهادت‌طلبی بروز می‌نماید، به مخاطبان نشان دهد. شهادت‌طلبی و استقبال از مرگ، بدین معنی است که اگر بر دشمن پیروز شوند، از این که دین خدا را یاری کرده‌اند، مسرورند و خود را کامیاب و ظفرمند می‌دانند و اگر کشته شوند و دشمن فاتح کارزار شود، به سعادت‌ی گران‌قدرتر و ارجمندتر دست یافته‌اند و آن شهادت در راه خدا است. از این‌رو، خود را در هر دو حال، چه بکشند و چه کشته شوند، پیروز و سربلند می‌دانند و شکست و ناکامی در قاموس آنان معنا و مفهومی ندارد. در سبک زندگی انسان قرآنی، جنگ هیچ جایگاهی ندارد مگر آنجا که بحث دفاع از حدود شرعی و قانونی به‌عنوان آخرین راه‌حل در نظر گرفته شود و گرنه اصالت اولیه در ارتباط با تمامی انسان‌ها بر صلح و همزیستی می‌باشد.

۲- دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با تبلیغ مناسب

تحول‌آفرینی در زمینه اعتقادات و رفتارها سبب شد که بسیاری از ارزش‌ها و باورهای نادرست جامعه جاهلی

درگیر چالش‌های جدی شود. در واقع، تبلیغ آموزه‌های دینی و اسلامی زمینه‌ساز آن شد که شرایط نامساعد سبک زندگی انسان عصر جاهلی، درگیر تحول اساسی شود و روحیه غارتگری و خشونت‌طلبی وی، همه و همه مغلوب تعالیم حیات‌بخش اسلام گردد. بسیاری از محققان و حتی نویسندگان غربی به تلاش‌های نبی مکرم اسلام در این باره اذعان نموده‌اند. توماس کارلایل، محقق انگلیسی پیرامون این موضوع می‌گوید: «محمد (صلی‌الله علیه و آله) با تبلیغ مناسب قانون‌های اخلاقی و مدنی را ارائه کرد تا دامنش و وحشیگری را از بین برده و تمدن و نظم را جایگزین بی‌نظمی و بی‌قانونی نماید.» (صمیمی، ۱۳۸۲: ۳۴۸).

ویل دورانت، تلاش‌های فراوان نبی مکرم اسلام (صلی‌الله علیه و آله) در راستای تحول‌آفرینی در جامعه جاهلی را صحنه‌گذارده و می‌گوید: «در طول پنج قرن از نظر قدرت، نظم، تصفیه رفتار و اخلاق، گسترش قلمرو حکومت، ایجاد قانون‌های منصفانه انسانی و تساهل دینی و ... سردمدار جهان بودند.» (دورانت، ۱۳۷۳: ۴۳۲). پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) برای ایجاد اراده‌های محکم، وفاداری‌ها و علاقه‌مندی‌های محدود و فردی را به وفاداری‌های ارزشی و مکتبی تبدیل کرد؛ زیرا ریشه اراده جمعی، در ارزش‌های حاکم بر جامعه است و قرار گرفتن فرد در چهارچوب ارزشی وسیع‌تر، وی را از حالت انفعالی به حالت فعال درمی‌آورد و روابط عادی را شدت می‌بخشد؛ اشخاص را تهییج می‌کند و آنان را در باورهای عمیق خود راسخ‌تر می‌سازد.

۳- دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با توجه به کانون‌های تأثیرگذار در جامعه

برای این‌که باورهایی در یک جامعه مؤثر واقع شود، شناخت محیط پیرامون مخاطبان بسیار مهم می‌باشد. بنابراین باید شناخت عمیق و اطلاعات کافی از محیط و فضای زندگی جوامع، وجود داشته باشد؛ زیرا رفتار انسان متأثر از محیط‌زیست او است، بدین معنی که انسان با توجه به نیازها و ارزش‌ها، محیط خود را دگرگون کرده و خود نیز تحت تأثیر محیط دگرگون‌شده قرار می‌گیرد (متفکر، ۱۳۸۷: ۴۰). پژوهشگران ارتباطات در مباحث



فراگیر نداشت، به منظور تنظیم روابط و حیات اجتماعی، سنت‌هایی را ایجاد و پرورش داد که مانند قانون پذیرفته شد و معمولاً مورد تخطی قرار نمی‌گرفت. این سنت‌ها متأثر از افکار هستی‌شناختی، محیط جغرافیایی عربستان و به‌ویژه نوع زندگی قبیله‌ای عرب بود. فخر فروشی به اعمال و ویژگی‌های شخصی و شخصیت (حسب)، نژاد و خون (نسب) در چارچوب علاقه و تعصب افراط گونه به قبیله بخش جدایی‌ناپذیری از اندیشه عرب جاهلی را تشکیل می‌داد که در رفتارها و سنت‌های آن‌ها رشد می‌یافت (باصری، ۱۳۹۲: ۹).

۴- دگر دیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با استفاده از روش مرحله به مرحله

بررسی آیات متعدد از سوره‌های مکی قرآن کریم نشان می‌دهد که خداوند، در راستای تغییر سبک جنگ انسان جاهلی ابتدا نبی مکرم اسلام (صلی‌الله علیه و آله) و مسلمانان را از درگیری با مشرکان نهی کرده و امر می‌کند که در مقابل آنان صبر و شکیبایی کرده و با آنان مدارا کنند؛ زیرا مراحل اولیه دعوت اسلامی در فضایی صورت می‌گرفت که بت‌پرستی در جزیره العرب رواج داشت و تلاش سران شرک بر آن بود که ندای توحید را خاموش کنند زیرا با منافع آن‌ها سازگاری نداشت. از سوی دیگر جمعیت مسلمانان نیز در اقلیت بود و همان جمعیت کم نیز از آزار و اذیت سران شرک در امان نبودند. پس از آن، در راستای کاهش آلام مسلمانان اقدامات ویژه‌ای نیز صورت می‌گرفت. از جمله فرمان رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) به هجرت مسلمانان بی‌پناه به حبشه (ابن‌هشام، ۱۴۱۵: ۳۴۴).

بر این اساس، مدارا به‌عنوان یک راهکار در شرایطی استفاده می‌شد که هرگونه نزاع و درگیری، سبب به خروش آمدن خشم سران شرک شده و امنیت مسلمانان را با خطری جدی مواجه می‌ساخت. پس از گذشت این مراحل و با تشدید درگیری‌ها اذن جهاد داده شده است؛ بنابراین موضوع جهاد به‌صورت مرحله به مرحله و پس از طی گام‌های مختلف ابلاغ شده است.

۵- دگر دیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با تأکید بر وحدت آفرینی

مخاطب‌شناسی، از نظریه ارتباطات دومرحله‌ای یاد می‌کنند که بر اساس آن، افکار در مرحله اول به خواص و نخبگان و از آنان به بخش‌هایی از جمعیت که کمتر فعال هستند، منتقل می‌شود. بر اساس این پژوهش‌ها، افکار عمومی نخبگان سریع‌تر از افکار عمومی جامعه شکل می‌گیرد و همین امر موجب می‌شود که نهادهای مختلف، بیش از هر چیز در پی شکل‌دهی به افکار عمومی این گروه باشند که با عنوان گروه‌های مرجع یا خواص شناخته می‌شوند. در همین راستا، پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) با حفظ اصول و پایبندی کامل به وظیفه الهی خود، پیوسته از ظرفیت گروه‌های مرجع بهره می‌برد و تا جایی که امکان داشت، از تحریک و تقابل مستقیم با آن‌ها پرهیز می‌کرد. از مهم‌ترین گروه‌های مرجع در صدر اسلام، کسانی بودند که سال‌ها به‌عنوان بزرگ قوم خود شناخته می‌شدند و در جامعه قبیله‌ای عرب، جایگاه ویژه داشتند. پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) پس از تسلط بر هر قومی و دعوت آن‌ها به اسلام، بزرگ آن‌ها را ارج می‌نهاد و او را بر قوم خودش حاکم می‌کرد (علیانسب، ۱۳۹۴: ۶).

درواقع، خواص یا نخبگان آنان‌اند که با توجه به ویژگی‌ها، استعدادها، نقش و فعالیت‌های خود در جامعه، از موقعیت‌های برتری برخوردارند. آنان سبب‌های تفکر، عمل و وجودند و از قدرت جاذبه بیشتری در قیاس با دیگران بهره‌مندند. از این رو، این‌ها الگوی دیگران قرار می‌گیرند و سایر مردم به آنان اقتدا می‌کنند (وثوقی، ۱۳۸۹: ۶). پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) در حدیثی می‌فرماید: «هرگاه دو گروه از امتم نیکوکار باشند، امتم نیکوکار خواهند بود و اگر آن‌ها فاسد گردند امتم به فساد کشیده می‌شوند. پرسیدند یا رسول الله آن دو گروه کدام‌اند؟ فرمود: دانشمندان و حاکمان» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹).

از این رو نخبگان در ایجاد تغییرهای مثبت یا منفی اجتماعی نقش مهم و مؤثری دارند. در نظام جاهلی، افتخار به‌حسب و نسب در کنار تعصبات قبیله‌ای، پایه و اساس نظام حاکم بر اندیشه اعراب جاهلی بود. این فخر فروشی‌ها به شکل‌های گوناگونی انجام می‌گرفت و برخی از آن‌ها تبعاتی در پی داشت که تا سال‌ها ادامه می‌یافت. جامعه جاهلی که قانونی نوشته شده و حکومتی

قرآن در راستای ایجاد تغییرات اساسی در سبک زندگی جاهلی، برنامه‌های منسجمی را ارائه کرد تا علاوه بر اینکه در میان مردم وحدت‌آفرینی کند، بتواند با بسیاری از افکار و باورهای تفرقه‌افکن از جمله آداب و رسوم جاهلی و اندیشه‌های متحجرانه به مبارزه قاطع برخیزد. دین مبین اسلام، برنامه‌های اصولی و جامع برای سعادت بشریت به ارمغان آورده است. این برنامه‌ها محدود به هیچ زمان و مکانی نیست و برقراری وحدت و انسجام، از اولویت‌های مهم آن محسوب می‌شود. اهتمام دلسوزانه و تلاش‌های فداکارانه نبی مکرم اسلام (صلی‌الله علیه و آله) برای وحدت‌آفرینی بود و بسیاری از رهنمودهایی که ایشان به‌طور مستمر و مجدانه بیان می‌کردند، برای از میان برداشتن و ریشه‌کن ساختن اختلافات و درگیری‌ها بود. وجود مبارک ایشان در جریان فتح مکه فرمودند: «هیچ عربی بر عجمی و هیچ عجمی بر عربی، جز به خاطر پرهیزکاری، برتری ندارد.» (یعقوبی، ۱۳۷۳: ۱۱۰).

سبک زندگی انسان جاهلی، که تحت حاکمیت ارزش‌های غیردینی می‌باشد، صمیمیت و برادری را به وجود نمی‌آورد. زیرا قبیله از جمله پایگاه‌های مهمی است که انتقال ارزش‌های حاکم بر جامعه جاهلی در آن صورت می‌گیرد و از این‌رو در این نظام، دغدغه‌ای جز منافع شخصی و قبیله‌ای وجود ندارد (خطیبی، ۱۳۸۶: ۴۱).

قرآن کریم در آیه ۱۰۳ آل عمران بیان می‌کند که: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳)؛ «و همگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت خدا را که شما باهم دشمن بودید، پس خدا در دل‌هایتان الفت و مهربانی انداخت و در نتیجه همه برادر یکدیگر شدید. در صورتی که در پرتگاه آتش بودید، پس خدا شمارا از آن نجات داد. این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند؛ باشد که هدایت شوید»

در تفسیر این آیه آورده‌اند: «مصدق بارز معنای مورد نظر را در شرایط و نحوه تعامل اوس و خزرج آدو طایفه از اعراب قحطانی می‌توان ملاحظه کرد؛ آنجا که تا پیش

از اسلام دشمنان سرسخت یکدیگر بودند و با آمدن اسلام به برادران دینی تبدیل شدند که بیش از یکصد سال جنگ و دشمنی قبلی را خاتمه دادند.» (افتخاری، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

به عبارت دیگر، از شاخصه‌های مهمی که در پایداری وجود بشر نقش بنیانی دارد، انسجام اجتماعی و همبستگی گروهی است. این همبستگی در استمرار و تداوم خود نیازمند ارزش‌هایی است که بنیان هر جامعه بر آن‌ها نهاده شده است. در میان ارزش‌های موجود در جوامع، ارزش‌های دینی به دلیل عدم تحریف و اتصال به وحی از انسجام‌بخشی بیشتری برخوردارند. زیرا این ارزش‌ها از منبعی جوشیده‌اند که کاملاً بر استعدادها و نیازهای انسان واقف است، چون خود آفریدگار بشر است و راه رسیدن به مطلوب واقعی انسان را کاملاً می‌شناسد. همه افراد بشر نزد وی حقوق یکسانی دارند و در مرتبه وجودی خودشان از امتیاز واحدی برخوردارند. این همه، سبب می‌شود که در ارزش‌های الهی سود همه افراد، در هر زمان و مکان یکسان لحاظ گردد و ترجیحی برای فرد یا گروهی نباشد. این یکسانی و عدم ترجیح در ارزش‌های دینی، خود عامل بسیار مستحکمی در انسجام اجتماعی است که پی آمد آن برادری دینی در جامعه اسلامی می‌باشد (خطیبی، ۱۳۸۶: ۳۳).

درواقع، اعراب بادیه‌نشین از تعصبی شدید برخوردار بودند که دامنه اختلافات را فزونی می‌بخشید. یکی از راه‌های کاهش این خطر و نفوذ دادن هم‌پیمانی دینی و پیوند معنوی به‌جای تعصب قومی و حزبی به درون شخصیت افراد، عقد اخوت بود که وحدت جامعه را در سایه پیوند معنوی افراد، رقم می‌زد (نصیری، ۱۳۸۵: ۱۰۵). برقراری پیمان برادری در میان مسلمانان سبب می‌شد که همه رو به یک هدف واحد کرده و به سمت برادری دینی هدایت شوند. درواقع، قالب‌های سنتی و قبیله‌ای همچون ظرفی بود که محتوای دینی و همبستگی بر مبنای اعتقادات، درون این ظرف ریخته شده و در نتیجه آن، تعصبات قبیله‌ای به همبستگی‌های اجتماعی تبدیل می‌شد.

۶- دگرپرسی سبک زندگی انسان عصر

جاهلی با تأکید بر وحدانیت الهی

مطالعه پیرامون سبک زندگی جامعه جاهلی نشان



رواج آن در جامعه، نه فقط از نظر معنوی حائز اهمیت بود، بلکه به لحاظ اجتماعی نیز انسجام و وحدت را به دنبال داشت. دین مبین اسلام کامل‌ترین راه رسیدن به کمال و سعادت را فرا روی بشریت قرار داده است. اسلام آن قدر بر وحدت بخشی و انسجام تأکید و اختلاف و درگیری را نهی کرده که طرح امت واحد را به‌عنوان یک نماد فرهنگی، بارز کرده است. در پرتو این فرهنگ، اندیشه‌ها و دل‌ها به یکدیگر نزدیک می‌شود و بینش‌ها و اعتقادهای واحدی شکل می‌گیرد. اسلام، مسیر فکری و ایدئولوژیکی را برای انسان روشن می‌سازد تا در پرتو راهنمایی قرآن و کلام معصومین (علیه‌السلام) نگاه درستی به جهان داشته باشیم. وحدتی که تحت لوای امت اسلامی پدید می‌آید، همچون دژی قوی و مستحکم است که هیچ نزاع و درگیری را جرئت ضربه زدن به آن نیست و اگر این مهم تحقق نیابد، درگیری‌های قومی و اختلافات قبیله‌ای چنان پررنگ می‌شود که آتش شعله‌ور آن را خاموشی نخواهد بود (عابدی، ۱۳۹۳: ۸۸).

۷- دگر دیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با تأکید بر حقوق مشترک انسان‌ها

از مواردی که سبب دگر دیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی شده است، آگاهی آن‌ها از حقوق مشترک انسانی می‌باشد. مبانی اسلامی به صراحت و روشنی هرگونه برتری‌جویی قبیله‌ای و قومی را نهی نموده و بر حفظ کرامت و عزت انسانی تأکید نموده‌اند. در پرتو کلام الهی، همه انسان‌ها از حقوق انسانی مشترکی برخوردار هستند که از جمله مهم آن‌ها حق حیات می‌باشد که باید گرامی پنداشته شود. اعراب جاهلی، ثروت و قدرت را دو معیاری می‌دانستند که بر مبنای آن‌ها، انسان‌ها برتری خود را نشان می‌دادند، جامعه‌ای با چنین ارزش‌گذاری‌ها، یک جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر و درون تهی می‌باشد چراکه طبقات مختلف می‌کوشند تا به قدرت و ثروت دست یابند و چه‌بسا که در این راه، از ارزش‌های انسانی و دینی، فاصله گیرند. سیره نبی مکرم اسلام (صلی‌الله علیه و آله) رعایت احترام و پاسداشت حقوق انسانی بوده است. این بزرگوار پس از فتح مکه، از هرگونه کشتار و انتقام‌جویی کرده و خطاب به مسلمانان و مردم مکه فرمودند: «ای گروه قریش! خداوند در سایه اسلام غرور

می‌دهد که بی‌توجهی به امر توحید، قسمت اعظمی از فرهنگ آنان بوده است. عدم آگاهی نسبت به پروردگار یگانه و عدم گرایش به او، سبب تسلیم شدن در مقابل بت‌های مختلف شده بود و اظهار عبودیت و بندگی کردن در مقابل آن‌ها را به دنبال داشت و بدین ترتیب، خطوط جاهلیت را در میان انسان‌ها ترسیم کرده بود. به‌گونه‌ای که آتش اختلاف و درگیری چنان در میان آن‌ها زبانه می‌کشید که جنگ و خونریزی سالیان متمادی به طول می‌انجامید؛ اما همه بشریت از یک ریشه واحد آفریده شده‌اند و خداوند عالم، معبود و خالق همگان می‌باشد. هیچ‌یک از انسان‌ها از نظر آفرینش، بر دیگری امتیاز و برتری ندارد تا از حقوق ویژه‌ای برخوردار گردد و فقط از طریق تلاش‌های خود می‌تواند از نعمت‌های الهی و موهبت‌های خداوند بهره‌مند شود (موثقی، ۱۳۷۰: ۵۰).

اما بر مبنای سبک زندگی توحیدی قرآن، انسان‌ها از جنبه خلقت، از یک منشأ واحد می‌باشند و خالق یگانه‌ای دارند از این‌رو همه آن‌ها در فطرت و خلقت مشترک خویش، یکسان و برابر می‌باشند. عقیده‌مندی به توحید، همچون نیروی قدرتمندی است که به‌طور مستمر اراده انسان را به حرکت و تکاپو وامی‌دارد. زندگی عرب جاهلی با تشدّد عقاید و آرای مذهبی همراه بوده است؛ اما مبانی اسلامی و کلام قرآنی، وحدت عقیده با محوریت توحید را پایه‌گذاری کرده‌اند. تبلور راستین باور توحیدی در میان جامعه سبب عمیق شدن وحدت و انسجام مردم می‌شود زیرا فردگرایی و خودکامگی‌ها را نزول می‌بخشد. حس خداپرستی یک قدرت شکست‌ناپذیر می‌باشد که در پرتو درک و شناخت عمیق آن، نه‌تنها نزاع طلبی و قومیت‌گرایی بر افراد بی‌اثر بوده بلکه دوستی و برابری بر آن‌ها تسلط کامل می‌یابد. جامعه اعراب جاهلی به‌گونه‌ای بود که اختلاف و درگیری آن را فراگرفته بود و این نزاع‌ها بخشی از سبک زندگی زیستی آن‌ها شده بود؛ اما حرکت به سمت توحید و شناخت یگانگی خداوند، نیازمند مبارزه و پیکار علیه خدایان ساختگی می‌باشد. عقیده داشتن به توحید و فهم صحیح از واحد مطلق، انسان را در مقام فکر و عمل، به صفات عالی الهی متصف می‌سازد. اهتمام ویژه نبی مکرم اسلام (صلی‌الله علیه و آله) در نهادینه کردن سبک زندگی توحیدی و

و فخر فروشی و نخوت جاهلیت به اجداد و آباء را از میان برداشت، همه انسان‌ها از آدم هستند و آدم نیز از خاک گرفته شده است.» (ابن هشام، ۱۴۱۵: ۸۸۴). همچنین در جای دیگری ایشان فرموده‌اند: «ای مردم، پروردگار شما یکی است و پدر شما نیز یکی می‌باشد. آگاه باشید که هیچ عربی بر هیچ عجمی برتری ندارد و هیچ عجمی نسبت به هیچ عربی برتر نیست. همچنین هیچ سفیدی بر هیچ سیاهی و نیز هیچ سیاهی بر هیچ سفیدی برتری و تفوق ندارد مگر اینکه ملاک تقوا در میان باشد. ارجمندترین شما نزد پروردگار، کسی است که باتقواتر باشد.» (پاینده، ۱۳۶۳: ۶۷۵). در میان اعراب جاهلی، نسب یک ارزش مهم محسوب می‌شد و در حقیقت، جایگاه و موقعیت هر قبیله، ارزش‌های فردی را تعیین می‌کرد (آلوسی بغدادی، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

حیات اجتماعی اعراب جاهلی با محوریت تعصبات قومی و خونی شکل گرفته بود و نوعی وحدت خونی در یک قبیله حاکم بود. از این رو قبیله، تنها افرادی را که بدان وابسته بودند، به یکدیگر پیوند می‌داد. ویژگی بارز جامعه اعراب جاهلی، پراکندگی و تشتت آرای آن‌ها بوده است. پرستش ادیان مختلف و حتی رواج بت پرستی نیز سبب رفع این اختلافات نشده بود بلکه وجود بت‌های مختلف زمینه‌ساز تفرقه بیشتری گردیده بود؛ اما در مقابل، رسول مکرم اسلام (صلی‌الله علیه و آله) بر حفظ ارزش‌های انسانی و اصول مذهبی تأکید می‌کرد.

۸- دگرذیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با برانگیختن انگیزه‌های الهی

یکی از گام‌های بسیار مهم قرآن، ایجاد انگیزه در جنگجویان بوده است، زیرا انسان‌ها به مقتضای نیازهای روحی و عاطفی خویش و با توجه به غرایز انسانی خود، چنانچه از نظر معنوی تقویت شوند و پیام‌های الهی را دریافت کنند، با انگیزه بیشتری در راه رسیدن به هدف گام برمی‌دارند. انگیزه‌مند ساختن آن‌ها نیازمند آن است که آن‌ها از نظر روحی تقویت شوند و متوجه اهداف برتر و متعالی باشند که در انتظار آن‌ها است. یکی از مهم‌ترین منابع قدرت در جامعه، اعتقادات دینی افراد می‌باشد که همچون محرکی قوی، افراد جامعه را به سوی اهداف خویش به حرکت درمی‌آورد. به‌رغم انگیزه‌های مادی و

دنیوی که بسیار سطحی و زودگذر می‌باشند، انگیزه‌های معنوی و اعتقادات دینی بسیار قوی و پایدار هستند. پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) این مهم را می‌دانست. از این رو در برنامه ایشان، ارزش‌های انسانی و عقاید اسلامی، محور تحرکات نظامی بود و به همین دلیل بر آن‌ها پافشاری و تأکید می‌شد.

آری، چنانچه به عوامل درونی و محتوای باطنی افراد توجه گردد و نظام ارزشی، احیا گردد، روحیه افراد تقویت می‌شود. پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) نیز از هر فرصتی بهره می‌برد تا با مردم و گروه‌های مختلف مردمی رابطه برقرار کند و از حال و روز آن‌ها جوینا شود.

۹- دگرذیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با الگوی رفتاری پیامبر (ص)

یکی از عرصه‌هایی که در دوران جاهلیت، باعث دگرذیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی شد الگوی رفتاری پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) است. بزرگواری و رحمت ایشان پس از فتح مکه مثال بارزی می‌باشد که در آنجا به دنبال انتقام‌گیری از دشمنان بی‌رحم خویش نبود و حتی هند، مادر معاویه و وحشی که حمزه عموی ایشان را تکه‌تکه کرده بودند را در معرض هیچ آسیبی قرار نداد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۵۲). ایشان در مواجهه با مشرکان می‌فرمود: «من تنها به منظور رحمت مبعوث شده‌ام» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۹۴).

نبی مکرم اسلام (صلی‌الله علیه و آله) که تربیت یافته سبک زندگی قرآنی است با توسل به اصول اخلاقی و با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف انسانی که با فطرت انسان همخوانی دارد، محتوای باطنی انسان جاهلی را متحول ساخت. در نتیجه اراده آن‌ها از جنبه صرفاً اعتقادی فراتر رفته و جنبه عملی و کاربردی پیدا کرد. بدین طریق عقاید، عواطف و باورهای اعراب جاهلی به یک منبع مهم قدرت مبدل شد به گونه‌ای که آن‌ها توانایی آن را یافتند که بر قدرت‌های پیرامون خود فائق آیند و بقای خویش را مستحکم سازند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در مطالب ذکر شده بیان شد، در دوره جاهلیت همزمان با نزول قرآن انسان عصر جاهلی از نظر



درستی تفکر اسلام ناب و قرآن کریم می‌باشد، در این راستا بزرگ‌ترین معجزه قرآن کریم دگرذیسی در سبک زندگی یک انسان است چه رسد به یک جامعه زیرا که در طول تاریخ خیلی از مکاتب و ادیان این ادعا را داشته‌اند ولی نتوانسته‌اند.

حال آنکه قرآن کریم این دگرذیسی و تغییر شگرف را در مدت زمان بسیار کوتاهی انجام داد که اگر در حالت عادی می‌خواست در جامعه‌ای رخ دهد نیاز به دهه‌ها و حتی قرن‌ها زمان بود، اما قرآن با تعالیم وحیانی خود در مدت ۲۳ سال کل این تغییرات را انجام داد.

خداوند تعالیم نهایی خود به انسان را به صورت آزمایشگاهی در بدترین شرایط امتحان نمود و جواب گرفت تا هیچ بهانه‌ای برای نوع انسان در تمام زمان‌ها و مکان‌ها در همه اعصار باقی نماند.

و این همان موضوع مورد اشاره مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در تغییر سبک زندگی جامعه ما در بیانیه گام دوم است، یعنی قرآن امتحان خود را پس داده و اگر ما و جامعه ما همان‌طور که رهبری معظم در بیانیه گام دوم انقلاب بیان فرموده‌اند بخواهند سبک زندگی خود را تغییر دهند، باید به تعالیم قرآن به معنی واقعی برگردند؛ یعنی باید همه در نشانه‌های قرآن کریم عمیق شویم، خوب این منبع وحیانی را مطالعه کنیم و بفهمیم و خود را در مقام عمل به انجام قرآن ملزم کنیم و گرنه آنکه در آخر کار ضرر خواهد کرد خود ما هستیم و جامعه ما؛ و نکته آخر اینکه خداوند هم به هیچ قومی به راحتی وعده نجات و سعادت یدون تلاش و مجاهدت نداده و نخواهد داد؛ که «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱)؛ خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنان خود حال خود را تغییر دهند.» امید که با تعمق و تفکر در آیات قرآن کریم و با به کار بستن تعالیم آن در زندگی روزمره هر روز و هر لحظه بتوان سبک زندگی درست‌تر و رو به رشدتری را برای جامعه خود رقم بزنیم و این کار میسر نخواهد شد جز با تلاش و دلسوزی فرد فرد انسان‌های یک جامعه.

منابع

۱- قرآن کریم.

۲- دشتی، محمد. ترجمه نهج البلاغه.

فرهنگی شرایط نامساعدی داشت. تعالی انسانی مغفول مانده بود و باورهای آن‌ها مملو از خرافات بود، آنان دختران خود را زنده‌به‌گور می‌کردند، زنان را افرادی فاقد ارزش تلقی می‌شد و برده‌ها را با سخت‌ترین شکنجه‌ها آزار می‌دادند. جنگ و درگیری نیز از جمله مسائل مهم سبک زندگی ایشان بوده و میل به قدرت و سلطه‌گری بر دیگران، در روح عرب جاهلی ریشه دوانیده بود.

این شرایط بحرانی نشان می‌دهد که سبک زندگی انسان عصر جاهلی بسیار نامساعد و ناآرام بوده است و حال آنکه فطرت انسان‌ها چیز دیگری را می‌طلبید و کام تشنه انسان جاهلی نیازمند جرعه‌های معرفت بود؛ اما این معرفت از کدام سرچشمه باید جاری می‌گشت و کدام آرمان‌های متعالی باید فراهم می‌گشت تا تغییراتی را به‌طور ریشه‌ای در تفکر و سبک زندگی عرب جاهلی نهادینه‌سازی نماید. کدام قدرت متعالی، توانایی آن را داشت که در سبک زندگی و اهداف و رسالت آن تغییرات اساسی ایجاد کند؟

براساس شواهد و قرائن موجود، این دگرذیسی در ماهیت و ذات این جامعه، توسط قرآن و تعالیم روح‌بخش آیین مقدس اسلام در آن دوره صورت پذیرفت.

از مطالعه و بررسی مطالب بیان شده می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم با راهبردهای خود دگرذیسی بزرگی در سبک زندگی انسان عصر جاهلی در مدت زمان کوتاهی به وجود آورد. بدون شک این قدرت عظیم قرآن، در باورهای درونی و ارزش‌های انسان جاهلی ریشه دوانده و رشد یافت تا بدانجا که می‌توان به راحتی بیان نمود فقط این تفکر وحیانی قرآن بود که می‌توانست این استحاله و دگرذیسی را به این نحو تمام و کمال به وجود آورد.

مبانی وحیانی قرآن، جنسی از سنخ امور قلبی دارند که تنها در زمین اقلع عقلی و برهان و با پشتوانه کاربست عملی پیامبر (ص) قابل رسوخ و نفوذ به قلب‌ها می‌باشند. در این‌گونه دگرذیسی‌ها اعمال زور و اجبار، شاید وسیله‌ای برای سلطه بر جسم‌ها و پیکرها باشد اما هیچ‌گاه ابزار حکومت بر قلب‌ها نبوده و نخواهد بود. رسوخ تعالیم وحیانی قرآن کریم در قلب‌ها و پذیرش روزافزون آن از سوی افراد و تأثیر آن بر سبک زندگی انسان جاهلی یک دلیل روشن بر این قدرت، صداقت و

- ۳- حسینی، محمد بهاء‌الدین. باده ناب، انتشارات کردستان، سنندج، ۱۳۸۲ ش.
- ۴- سبجانی، جعفر. فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ ش.
- ۵- پرهیزکار، غلامرضا. «منابع سازنده فرهنگ منطقه حجاز پیش از بعثت (طبیعت و ارتباطات میان فرهنگی)»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم؛ شماره ۲، بهار ۱۳۹۱.
- ۶- ابن‌خلدون، عبدالرحمان بن خلدون. مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۶۱ ش، ج ۱.
- ۷- نصیری، محمد. تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ ش.
- ۸- میر شریفی، سید علی. پیام‌آوران رحمت، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵.
- ۹- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد، جامعه‌البعث، ۱۴۱۳ ق، ج ۱.
- ۱۰- زیدان، جرجی. تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهر کلام، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۱- چلونگر، محمدعلی. «بازگشت به معیارهای جاهلی، تهدید نهضت پیامبر اعظم»، مجله نامه تاریخ پژوهان - شماره ۸ و ۹، زمستان ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۶.
- ۱۲- حتی، فلیپ. تاریخ عرب، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تبریز، نشر کتابچی حقیقت، ۱۳۴۴ ش، ج ۱.
- ۱۳- بهادری اردشیری، عباسعلی. «تحلیل مفهومی شعر در صدر اسلام»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۶ ش.
- ۱۴- علیان‌سب، سیدحسین. «شیوه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مدیریت روانی جامعه اسلامی»، مطالعات اسلام و روانشناسی، سال ۹، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
- ۱۵- سلیمانی، جواد. «چگونگی و چرایی بازگشت به جاهلیت در جامعه پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله)»، حکومت اسلامی، سال سیزدهم، شماره چهارم، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۶- صالح، احمدالعلی، حجاز در صدر اسلام، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر مشعر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۷- آئینه وند، صادق. تاریخ سیاسی اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۸- حتی، فلیپ. تاریخ عرب، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تبریز، نشر کتابچی حقیقت، ۱۳۴۴ ش، ج ۱.
- ۱۹- امین، احمد، پرتو اسلام. ترجمه ضحی الاسلام. به قلم عباس خلیلی. تهران، شرکت نسبی حاج محمد اقبال و شرکاء، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.
- ۲۰- ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبه الله. شرح نهج البلاغه، دار إلیاء الکتب العربیة، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
- ۲۱- افتخاری، اصغر. «نشانه‌های ساختاری «امنیت اسلامی» مطالعه موردی حکومت نبوی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۲۶، زمستان ۱۳۸۳ ش.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۲.
- ۲۳- ابن عبدربه الاندلسی، احمد بن محمد عبدربه. العقد الفرید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۵۳ م، الجز الثالث.
- ۲۴- ممتحن، حسنعلی. نهضت شعوبه، جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی.
- ۲۵- قائدان، اصغر. «روایت ایام العرب در مغازی و فتوح نگاری»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال سوم، شماره ۹، تابستان ۱۳۹۰ ش.
- ۲۶- صمیمی، مینو. محمد (صلی الله علیه و آله) در اروپا، ترجمه: عباس مهر پویا، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۲۷- دورانت، ویل. تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری، ج ۴، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش، ج ۱.
- ۲۸- متفکر، حسین. جنگ روانی، قم، نشر زمزم هدایت پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- ۲۹- گی روشه. تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی، بی تا.
- ۳۰- باصری، وحید و آئینه‌وند، صادق. «بررسی سنت متأخره در جاهلیت و بازتولید و پیامدهای آن در دوران



اسلامی»، مطالعات تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۲.

۳۱- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق مصطفی سقا، ابراهیم آبیاری و عبد الحفیظ شبلی، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱.

۳۲- یعقوبی، احمد بن اسحاق. تاریخ الیعقوبی، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۳ ش، ج ۲.

۳۳- خطیبی، محمد. راه کارهای حفظ و نشر ارزش های دفاع مقدس، قم، نشر زمزم هدایت پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.

۳۴- افتخاری، اصغر. «ایمان و ایمنی: بررسی تطبیقی گفتمان امنیت ایمان محور و منفعت محور»، مجله پژوهشهای دفاعی امنیتی اسلام، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.

۳۵- خطیبی، محمد. راه کارهای حفظ و نشر ارزش های دفاع مقدس، قم، نشر زمزم هدایت پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.

۳۶- موثقی، احمد. استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۰ ش، ج ۱.

۳۷- عابدی، احمد. سلسله دروس مکتب دفاعی اسلام، تنظیم: محمدقاسمی، حسین احمدی، سال ۹۳-۹۴، بی جا.

۳۸- پاینده، ابوالقاسم. نهج الفصاحه، تهران، نشر جاویدان، ۱۳۶۳ ش.

۳۹- آلوسی بغدادی، محمود شکری. بلوغ الأرب فی معرفه احوال العرب، تحقیق بهجه الاثری، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا، ج ۱.

۴۰- ابن اثیر، علی بن محمد. الکامل فی التاریخ، دارصادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق، ج ۲.

۴۱- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۵.